



انترناسیونال ۳۷۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۲ آذر ۱۳۸۹، ۳ دسامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

قطعنامه در مورد موقعیت جمهوری اسلامی در شرایط حاضر

مصوب پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی باتفاق آرا

حکومت از دست داده است و حکومت تماما بر بسیج و سپاه و گله های اوباش مزدور و کشتار و زندان و شکنجه و سنگسار متکی شده است.
ج - شکستن تصویر جمهوری
صفحه ۸

جامعه در تقابلی آشتی ناپذیر با حکومت قرار گرفته اند.

ب - تنزل یافتن و منحصر شدن کامل دولت به یک ماشین تمام عیار سرکوب و جنایت. الله و ولی فقیه و ایدئولوژی اسلامی بیش از پیش نقش خود را در توجیه و حفظ

مشخصات این دوره عبارتست از:

الف - باز شدن و در دستور روز جامعه قرار گرفتن مساله قدرت سیاسی و دخیل شدن توده مردم در تعیین تکلیف مساله قدرت سیاسی. اکثریت عظیم مردم

۱- انقلاب که در اولین برآمد خود در سال ۸۸ بصورت تظاهرات های عظیم توده ای بروز کرد گرچه اکنون فرونشاند شده، اما دوره سیاسی کاملاً تازه و متفاوتی را در جامعه ایران آغاز کرده است. باز ترین

زنده باد ۱۶ آذر



در مورد اعدام شهلا جاهد

دنیا را بر سرشان خراب میکنیم!



حمید تقوایی

اعدام وحشیانه شهلا جاهد را به خانواده و دوستانش، و به همه مردمی که برای نجات او مدتها تلاش کردند صمیمانه تسلیت میگویم.
اعدام شهلا جاهد یک قتل سیاسی بود. یک دهن کجی به مردم آزادیخواه ایران و مردم شریف جهان. یک رژیم فاسد و آبروباخته زنی را که هشت سال پیش بر اساس پرونده ای که بیشتر بیانگر توطئه های پشت پرده است تا ادله جرم، به چوبه دار سپرد که نشان بدهد به فشار جهانی علیه سنگسار و اعدام تسلیم نشده است. که نشان بدهد هنوز توان جنایتش را حفظ کرده است. و این قربانی نمیتوانست از انسانهای بی چهره، از قاچاقچیان و معتادین و قربانیان بی نام و نشانی باشد که تنها در ماه گذشته در وکیل آبادها و دیزل آبادها صدها نفرشان را از دم تیغ گذرانده اند. باید دست بجنبانی میزدند که بتواند به نحوی جای خالی سکینه آشتیانی بر پای چوبه دار را پر کند. و قرعه بنام شهلا جاهد افتاد. کسی که جهان میشناسدش و سالها قبل کمپینی نظیر آنچه امروز برای نجات سکینه در جریان است پرونده اش را تا امروز معلق نگه داشته
صفحه ۲

ویکی لیکس: پایان عصر سانسور

رسانه ها و شخصیتها و دولتهای مختلف با افتخار در وصف این عصر و گردش اطلاعات داد سخن میدادند. بلافاصله تئوری اقتصادی
صفحه ۳

کاظم نیکخواه

وقتی که چند دهه پیش عصر کنونی بنام عصر "انقلاب انفورماتیک" نامگذاری شد، تمام

اطلاعیه پایانی سی و پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه
صفحه ۲

پلنوم سی و پنجم کمیته مرکزی حزب در روز ۲۷ نوامبر ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ آذر ۶) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۹

صفحات دیگر

شهلا جاهد را کشتند!

صفحه ۷

جمهوری اسلامی و مذاکرات هسته ای

محمد شکوهی، صفحه ۱۲

فراخوان به اعتراض علیه اعدام شهلا جاهد

علیه حکومت اعدام و سنگسار

صفحه ۲

روزنامه سیتی در سوئد در گفتگو با فریده آرمان

صفحه ۷

پناهندگی و مهاجرت هم مساله طبقه کارگر است

احمد فاطمی، صفحه ۱۱

کارزار "من صدای او هستم"

صدای بهروز جاوید طهرانی باش، نگذار صدایش را خاموش کنند

بازتاب هفته

معضل بیکاری و طرح کذایی حکومت

غلام اکبری

از جنایات کهنیرک تا "بصیرت رهبر"

محمد شکوهی

ترور دو فیزیکیان در تهران و ادعاهای رژیم

بهروز مهرآبادی

قتل شهلا جاهد، عدالت به سبک اسلامی

یاشار سهندی

حکومت ضد زن مایه "شرمساری" بشریت است

هادی وقفی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دنيا را بر سرشان خراب ميکنیم...

از صفحه ۱

بود. قتل شهلا پاسخی به اعتراض جهانی علیه حکم سکینه بود همانطور که کشتن دلارا دارابی در صبح روز کارگر در سال گذشته پاسخی بود به کسانی که آن زمان عملاً رفاندوم علیه اعدام را حول پرونده دلارا سازمان داده بودند و کارگرانی که تجمع با شکوه یازده اردیبهشت ۸۸ را برپا کرده بودند. جنایاتی بدست يك حکومت درمانده علیه جامعه ای معترض و پیا خاسته.

اما شباهتها میان پرونده شهلا و سکینه واقعیت تلخی است و رای حسابگرهای کودکانه جنایتکاران حاکم. هر دو قربانی زن هستند، در هر دو مورد بجای مردانی که شواهد به مجرم بودن آنها اشاره میکنند دستگیر و متهم شده اند، و بالاخره در هر دو مورد رابطه جنسی خارج از ازدواج موضوع و انگیزه "جرم" است. ترکیب این عوامل در هر پرونده ای کافی است تا حکومت اسلامی ضد زن قربانی خود را از میان زنان برگزیند. اگر ناصر محمد خانی زن بود میباید مانند سکینه به جرم زنا حکم سنگسار میگرفت. و اگر سکینه مرد بود "گناه زنا" یش به "ثواب صیغه" تغییر می یافت. در پرونده شهلا ها و سکینه ها و دلاراها

فراخوان به اعتراض علیه اعدام شهلا جاهد

علیه حکومت اعدام و سنگسار

صبح روز چهارشنبه ۱۰ آذرماه جمهوری اسلامی دست به جنایت بزرگ دیگری زد و شهلا جاهد را به قتل رساند. این اقدامی از سر زبونی و درماندگی حکومت اسلامی است. زنی را از سلولش بیرون میکشد و به دار میزنند تا به میلیونها مردم خشمگین و معترض قدرتش! را نشان دهد. باید با به این آدمکشان حالی کنیم که تاوان سنگینی خواهند پرداخت.

حزب کمونیست کارگری این جنایت را شدیداً محکوم میکند، به خانواده شهلا جاهد صمیمانه تسلیت میگوید و از همه مردم ایران، از مخالفین اعدام و شکنجه، از خانواده های زندانیان سیاسی و جانباختگان، از زنان معترض به بیحقوقی، از کارگران و جوانان و دانشجویان و از

حاکم بر ایران بجا ماند دستان بخون آلوده شان بود و بس. امروز بر همه جهانیان معلوم شده است که جمهوری اسلامی يك ماشين قتل و تجاوز و شکنجه و سنگسار است که مثل هر دیکتاتوری آدمخواری میکشد تا بماند. اعدام و سنگسار نشانه ضعف و زبونی و ترس جلادان حاکم است و هر قربانی این جانیان، ندا باشد یا فرزند و دلارا یا شهلا، مظهر و نماد جامعه پیاخته ای است که تا بزیر کشیدن این جانیان از پای نخواهد نشست.

امروز به یمن و بر دوش انقلاب ۸۸ کارزار جهانی گسترده ای علیه حکومت اعدام و سنگسار جمهوری اسلامی آغاز شده و با قدرت به پیش میرود. هر جنایتی که جمهوری اسلامی مرتکب میشود تنها این نبرد سراسری مردم متمدن دنیا علیه این حکومت خون و توحش را قویتر و گسترده تر میکند. این مبارزه ای است که تا انزوی کامل رژیم اسلامی در جهان و سرنگونی آن به پیش خواهد رفت. ما دنیا را بر سر جمهوری اسلامی خراب خواهیم کرد و همان را بر سر رژیم خون و جنایت آپارتاید جنسی در ایران خواهیم آورد که سه دهه قبل جهان بر سر رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی آورد. این را تضمین میکنیم. *

سفارتخانه ها و کنسولگری های جمهوری اسلامی و یا در مراکز شهرها جمع شوند و اعلام کنند که حکومت اعدام و جنایت باید گورش را گم کند. جمع شوند و بگویند که اعدام جنایت است و باید متوقف شود و تمامی احکام اعدام باید بدون قید و شرط لغو گردد.

به جمهوری اسلامی باید نشان دهیم که هر اعدامی به موجی از اعتراض علیه این حکومت تبدیل میشود. باید کاری کنیم که دیگر جرات نکنند حتی يك نفر را اعدام کنند. اعدام قتل عمد دولتی است، جنایت است و در ایران و در همه جا باید متوقف شود!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۰ آذر ۱۳۸۹

اطلاعیه پایانی سی و پنجمین پلنوم ...

از صفحه ۱



در عرصه سیاست ایران مشخصاً در دوره پس از انقلاب ۸۸ بود.

پس از ارائه گزارشات و بحث و اظهار نظر فعال اعضای کمیته مرکزی حول آن پلنوم قطعنامه "موقعیت جمهوری اسلامی در شرایط حاضر" را مورد بحث و بررسی قرار داد. این قطعنامه بعد از وارد شدن برخی اصلاحات به اتفاق آرا به تصویب رسید. پلنوم قرار داد که نیز در قدردانی از نقش برجسته مینا احدی در رهبری کمپین نجات سکینه و علیه سنگسار و اعدام تصویب نمود.

در روز دوم پلنوم سمیناری در مورد سازماندهی از طرف حمید تقوایی ارائه شد. تم اصلی سمینار نقش تعیین کننده و محوری پراتیک اجتماعی در امر سازماندهی و جلب و جذب فعالین در جنبش کارگری و در دیگر جنبشهای اعتراضی به حزب و مبارزه حزبی بود.

در مبحث انتخابات، حمید تقوایی باتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و ۲۵ نفر زیر بعنوان دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند:

فریده آرمان، کیان آذر، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، نازنین برومند، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، فرشاد حسینی، شهلا دانشفر، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، مرتضی فاتح، اصغر کریمی، خلیل کیوان، شیوا محبوبی، بدی محمودی، نوید مینائی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه.

در اولین نشست دفتر سیاسی بعد از پلنوم مصطفی صابر باتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۰ آذر ۱۳۸۹

سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، و پیاد عزیز منصور حکمت آغاز شد.

پس از سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی، اصغر کریمی رئیس هیات دبیران در مورد شش ماه فعالیت حزب در فاصله بین دو پلنوم گزارش داد، و مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی نیز گزارش سیاسی خود را در مورد وضعیت سیاسی ایران و موقعیت حزب به پلنوم ارائه داد.

حمید تقوایی در سخنرانی خود به ویژگی شرایط سیاسی ایران در دوره پس از خیزش انقلابی ۸۸ پرداخت. وی گفت گرچه رژیم توانست این خیزش را فروبنشاند اما بهیچوجه قادر به مختنق کردن جامعه و تثبیت سلطه خود نبوده است. او با اشاره به پیشرویها و دستاوردهای کمپین جهانی علیه سنگسار تاکید کرد که حزب در تضعیف موقعیت رژیم و تداوم شرایط انقلابی نقش مهمی ایفا کرده است. اصغر کریمی بر مینای گزارش کمیته ها و ارگانها و فعالیتهای مختلف حزبی شامل کمیته سازمانده، کمیته خارج کشور، کمیته کردستان، سازمان جوانان، تلویزیون کانال جدید، نشریه انترناسیونال، نشریه کارگر کمونیست، نشریه کمونیسم کارگری، انتشارات حزب، سایتهای حزب و کمپینها و فعالیت در عرصه های مختلف که کتبا به پلنوم ارائه شده بود گزارش جامعی از فعالیتهای حزب در فاصله بین دو پلنوم و نوعی جمع بندی و ارزیابی از این فعالیتها ارائه کرد. در

این گزارش بویژه کارزار جهانی علیه سنگسار و برای نجات سکینه بعنوان يك عرصه بسیار موفق فعالیت و پیشروی حزب در این دوره مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. اساس گزارش سیاسی مصطفی صابر نیز نقش و موقعیت ویژه حزب و کمونیسم

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

ویکی لیکس: پایان عصر ...

از صفحه ۱
کاظم نیکخواه

تازه ای را سرهم بندی کردند که اساسش این بود که گردش اطلاعات در سطح جهان، بحران ادواری سرمایه داری را که مارکس بر آن تاکید کرده بود و اساس آن گویا بر بی برنامه‌گی و بی خبری سرمایه گذاران از تقاضا و عرضه در بازارها بود، پایان داده است. اما آنچه به آن فکر نکرده بودند و نگفتند این بود که با این انقلاب سیاست سانسور و دیپلماسی مخفی و تصمیمات پشت پرده و به دور از مردم نیز دارد دوره اش تمام میشود. طی یک دهه اخیر این مساله به معضل دولتها تبدیل شده است که چگونه در دوره اینترنت و شبکه عظیم دیجیتال -اطلاعاتی جهانی، راهی برای تداوم سانسور و دور نگه داشتن مردم از اطلاعات تعیین کننده پیدا کنند. واقعیت هرروز دارد این را نشان میدهد که این راه وجود ندارد. عصر سانسور یا بهتر است بگوییم اعصار متکی بر سانسور و بی اطلاع نگه داشتن اکثریت قریب به اتفاق انسانها از اطلاعات مهم و حیاتی دارد بسرعت به آخر میرسد. بازنده اصلی این تحول عظیم، دولتهای سرمایه داری و کلا حاکمین و صاحبان ثروت و قدرت در دنیای کنونی هستند. برای ما کمونیستها که یک بند مهم برنامه ای مان "ممنوعیت دیپلماسی مخفی" است، و برای دنیایی کاملاً آزاد و انسانی مبارزه میکنیم، این رویدادی مسرت بخش است. برای کل بشریت مسرت بخش است. دوره کنونی فقط دوره گردش اطلاعات نیست. نفس خالی شدن زیر پای نظام های متکی بر توطئه و سانسور و دور نگه داشتن مردم از اطلاعات حیاتی بیانگر اینست که عصر تاریخی جدیدی دارد بسرعت نزدیک میشود که تمام مناسباتش با اعصار تاکنونی اساساً متفاوت است:

این روزها داغ ترین خبر تمام رسانه های جهانی "ویکی لیکس" است. این سایت اینترنتی از روز ۲۸ نوامبر شروع به انتشار علنی تعداد تاریخی سابقه ۲۵۱۲۸۷ سند و پیام و مخابرات سفارتخانه های آمریکا نمود و تاکنون دهها هزار از این اسناد در معرض دید عموم قرار گرفته است. گوشه هایی از اسناد افشا شده که خبرهایش روی ساینتهای

خبری رفته است جنجال آفرین بوده است و معضلات جدی ای برای دولتها و شخصیتهای سیاسی مختلف ایجاد کرده است. شماری دارند خود را برای استعفا آماده میکنند. اسناد افشا شده از گوشه هایی از توطئه گریها و فریبکاریها و ریاکاریهای هرروزه دیپلماتها و سران دولتها و چهره های مهم دنیای امروز پرده بر میدارد. هنوز تمام جنبه های این اسناد حلاجی و بررسی نشده است. اما تا همینجا هرکس که ذره ای به صاحبان جهان امروز فکر میکند متوجه میشود که بشریت در چنگال چه سیستم شارلاتانیسم و جنایتکاری و دروغ پردازی عمیق و عظیمی قرار دارد. در این اسناد برای نمونه معلوم میشود که سفرای آمریکا مدام با راس دولت در حال توطئه گری علیه متحدانشان هستند و آنچه در ظاهر میگویند با آنچه میدانند و فکر میکنند و مخفیانه گزارش میکنند کاملاً متضاد و متفاوت است. معلوم میشود که روسیه توسط مافیای اداره میشود و شخص پوتین با مافیای در ارتباط مستقیم است. معلوم میشود که شاه عربستان و خلیفه امارات بر حمله نظامی به تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی به آمریکا فشار می آورده اند. معلوم میشود که اینها اطلاعات موثق دارند که احمدی نژاد در جریان انتخابات جنجالی سال گذشته ایران، تنها ۵ میلیون رای آورده است. معلوم میشود که خامنه ای سرطان خون دارد. معلوم میشود که حامد کرزای بطور مداوم از جمهوری اسلامی چمدان های پر از پول میگیرد و معاونانش مشغول قاچاق مواد مخدر هستند. معلوم میشود که روسای بانکها مشغول ساخت و پاختهای غیر قانونی و تقلب های عظیم هستند. و در سری اسناد قبلی ویکی لیکس نمونه های فجیعی از کشتار مردم بی دفاع عراق توسط نظامیان آمریکائی و ناتو افشا گردید که قبلاً مخفی نگه داشته شده بود. اینها فقط نمونه هایی از بسیار معبود از میلیونها مورد مشابه است که تاکنون به جلوی صحنه نیامده است. ویکی لیکس تاکنون اساساً

اسناد سفارتخانه ها و دولت آمریکا را افشا کرده است. اما گفته میشود که اسناد بسیار دیگری نیز وجود دارد که بتدریج رو خواهد شد و همین باعث شده است که بیشتر دولتها وحشت داشته باشند که کدام توطئه هایشان علیه مردم رو خواهد شد. دولت آمریکا فوراً از ابزار معمول خود استفاده کرد و این اقدام را "ترویس" نامید. یکی از مقامات آمریکا با ژستی کارشناسانه اعلام کرد این اسناد جزو اسناد سری دولت آمریکاست و "باید فوراً بازگردانده شود"! و این به جوکی تبدیل شده است که نشان میدهد که چقدر اینها دست و پایشان را گم کرده اند و مغزشان از کار افتاده است که اسناد دیجیتال روی اینترنت را با کاغذ و دستک اشتباه گرفته اند که گویا میشود آنها را به کسی پس داد. مقامات آمریکا در تلاش ایجاد فضا برای دستگیری و محاکمه "ژولیان آسانژ" مسئول استرالیایی این سایت هستند. زنده ترین حقوق دانان آمریکائی و بین المللی برای پیدا کردن راههای قانونی دستگیری و محاکمه او بسیج شده اند. اما تاکنون موفق نشده اند. قبل از این نیز وقتی که چند ماه پیش "ویکی لیکس" اسنادی از جنگ در عراق و افغانستان را افشا و علنی کرد، همین روند فعال شد و حتی حکم دستگیری "آسانژ" به اتهام تجاوز به کودکان توسط دادگاهی در سوئد صادر گردید. اما بعداً این حکم به دلیل بی اساس بودن آن، لغو گردید. با فشار دولت آمریکا این روزها موسسه آمریکائی "آمازون" سایت ویکی لیکس را فیلتر کرد و مانع فعالیت آن شد. این سایت اکنون از طریق سرورهایی در فرانسه و سوئد کار میکند و دولت آمریکا هنوز قادر نشده است راههای قانونی زیر فشار قرار دادن این سرورها را پیدا کند. آنچه روشن است نیروی دولتها و سرمایه گذاری جدی ای که علیه این سایت بسیج شده است، ممکن است بتواند این سایت را سانسور کند و مانع فعالیت آن شود. اما این بهیچ وجه پایان داستان نیست. همانگونه که اشاره کردیم بحث بر سر یک سایت نیست. بلکه بحث بر سر اینست که انقلابی آغاز شده است که هیچکس نمیتواند به زور و ضرب پول و سانسور و توطئه و فشار از پیشروی آن جلوگیری کند. همین انقلاب عظیم است که باعث میشود برای نمونه اسرار جنایات و شکنجه های

وحشیانه نیروهای آمریکائی در زندان ابوغریب با عکس و فیلم به بیرون درز کند. همین انقلاب است که گوانتنامو را به معضل آمریکا تبدیل میکند. همین انقلاب است که باعث میشود حتی حکومت اسلامی یعنی یک حکومتی تماماً متکی به سانسور و خفقان و شکنجه و زندان و اعدام، نتواند جنایاتش در کهریزک را پنهان کند و صحنه های جنایت به فاصله کمی جلوی چشم مردم ایران و جهان قرار میگردد. قتل ندا در عرض چند ثانیه با فیلم جلوی چشم مردم جهان تصویر میشود و دنیا را به خشم می آورد، تظاهراتهای "مرگ بر خامنه ای" و مرگ بر دیکتاتور پس از لحظاتی با فیلم جلوی چشم میلیونها مردم جهان قرار میگردد. از درون شکنجه گاههای حکومت اسلامی، زندانیان سیاسی و عادی با مردم جهان ارتباط برقرار میکنند و پیام میدهند و از شکنجه های اعمال شده به خود و هم بندگان میگویند. شهلا جاهد چند ساعت قبل از اعدامش از درون زندان با مینا احدی صحبت میکنند. و بسیاری نمونه های برجسته دیگر را میتوان نام برد که چگونه یک حکومت سانسور و خفقان تمام عیار مثل جمهوری اسلامی در کنترل و مخفی نگه داشتن اطلاعات مربوط به جنایاتش درمانده شده است. همه دولتها کمابیش همین مشکل را دارند.

روشن است که تکنولوژی دسترسی به اطلاعات، یک تیغ دولبه است و دولتها و سازمانهای اطلاعاتی شان نیز امکان می یابند که رفتار شهروندان را زیر نظر بگیرند و از گوشه زوایای زندگی افراد هر لحظه مطلع گردند و دست به توطئه گری علیه مخالفان بزنند و یا با مبارزات و اعتراضات مردم مقابله کنند. و این نیز مشکلاتی را برای مخالفان حکومتها ایجاد میکند و بر روشهای مبارزه در کشورهای مختلف تأثیرات عمیقی میگذارد. اما وقتی پای مبارزه توده ای و گسترده در میان است این جنبه مانع جدی ای بحساب نمی آید و بعضاً حتی میتواند به رویکرد گسترش راههای مبارزه اجتماعی و گسترده و موثرتر کمک کند. اما اساس کارکرد دولتها که نماینده یک اقلیت مفتخور هستند بر

سیاست مخفی و توطئه گری و سانسور استوار است و این برای دولتها و طبقه حاکم و کل صاحبان ثروت و قدرت یک مساله و معضل جدی است. آنچه تاکنون شاهد بوده ایم بکارگیری سرمایه گذارهای وسیع و عظیم برای ادامه سانسور و دیپلماسی مخفی و توطئه گری و دور نگه داشتن مردم از اطلاعات و تصمیم گیریهاست. و قطعاً تا زمانی که سرمایه داری یعنی حکومت یک اقلیت مفتخور حاکم است، سانسور و دیپلماسی دور از چشم مردم، پایان نخواهد یافت. طبقه حاکم به وجود سانسور و پنهان کاری از مردم نیاز حیاتی دارد. اساس نظام سرمایه داری بر همین استوار است. اما به همین دلیل انقلاب انفورماتیک به همان درجه که سانسور و دیپلماسی مخفی را غیر ممکن میکند، امکان ادامه حیات کل این نظام را نیز بسرعت محدودتر و محدودتر میکند. دنیایی که در آن نشود مردم را از نحوه تصمیم گیریها بی خبر نگه داشت، ادامه حاکمیت یک اقلیت مفتخور و سروران بی دلیل را نیز غیر ممکن میسازد. ویکی لیکس تنها نمونه از افشای اطلاعات پشت پرده دولتها نیست. اما اولین نمونه ای است که با اتکا به ابتکار تعداد معدودی از افراد در روز روشن به مصادف دیپلماسی مخفی در سطح جهان رفته است و ضربات کاری ای بر این سیستم زده است که به سادگی جبران آن برای حاکمین و دولتها امکان پذیر نمیشد. با ویکی لیکس نه فقط دیپلماتها و سران دولتها به گوشه ای از قدرت عظیم اینترنت علیه نظام خود پی برده اند، بلکه بیش از آن مردم جهان پی میبرند که باید و میتوان زندگی خود و نسلهای آینده بشر را از دست باندهای دیسه و توطئه و چپاول و ماجراجو خلاص کرد. هنوز غیر ممکن است که کسی بتواند نتایج و اثرات انقلاب انفورماتیک را بطور همه جانبه تری ارزیابی کند. اما روشن است که این انقلاب که در عین حال انقلابی در قدرت تولید و خلافت بسیار عظیم بشریت است، بیش از پیش این امکان و ناگزیری پایان دادن به نظام سرمایه داری را پیش رو قرار میدهد. و این بسیار شورانگیز و امید بخش است. *

انترناسیونال
را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

بازتاب هفته

معضل بیکاری و طرح کذایی حکومت



غلام اکبری

روز ۵ آذر خبرنگار ایسنا از وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی پرسید: "آقای شیخ‌الاسلامی! به تازگی وزیر صنایع و معادن اطلاع دادند که دولت در حال بررسی طرحی جامع است تا معضل بیکاری را یک باره حل کند. شما از این طرح اطلاعی دارید؟" جوابش این بود: "خیر من اطلاعی ندارم" خبرنگار ادامه داد: "چطور از طرحی که مرتبط با موضوع فعالیتتان است اطلاعی ندارید؟" جواب: "درباره این طرح می‌توانید از وزیر صنایع سوال کنید. من این موضوع را از زبان ایشان نشنیده‌ام." خبرنگار می‌گوید اما این موضوع را وزیر صنایع در هیئت دولت مطرح کرده است. و وزیر با دستپاچگی آسمان ریسمان را به هم میبافت و می‌گوید "اما ایشان اعلام کرده اند که این موضوع در دولت مطرح است!" و بعد ادامه می‌دهد: "... رئیس جمهور هم به تازگی صراحتاً فرمودند بعد از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، دولت به موضوع مهم اشتغال وارد می‌شود. البته این به معنی آن نیست که تا کنون به این موضوع پرداخته نشده است، ولی منظور این است که از این پس جدی تر شخص ایشان نیز به موضوع اشتغال ورود پیدا می‌کنند و این مساله در صدر برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت قرار می‌گیرد تا مشکل بیکاری حل شود." خودتان می‌توانید معنی و ربط این جواب را به مساله بیکاری و سوال خبرنگار پیدا کنید.

نفس همین جوابها نشان می‌دهد که چقدر این دولت و تبلیغاتش پا در هوا و غیر جدی و بی ربط به واقعیت است. نشان می‌دهد که چقدر اینها

گیج و بی‌افق و در بن بستند. رئیس جمهور مسخره شان یک عالمه در مورد بیکاری خرعبلات بهم بافته است که بیکاری را حل می‌کنیم و اشتغال ایجاد می‌کنیم و امثال اینها، اما وقتی به "وزیر کار و امور اجتماعی" مطرح می‌شود که منظور چیست می‌گوید نمیدانم از آن یکی پرسید! مردمی که سالهاست در زیر فشار رژیم اسلامی سرمایه داران زندگی میکنند خوب میدانند که این مفتخوره‌های کلاش، به اسم وزیر و وکیل فقط بفکر حساب بانکی خود هستند. و میدانند که راه حل بیکاری و راه حل فقر و راه حل خلاص شدن از گرانی هم مثل راه حل خلاص شدن از تبعیضات و بی حقوقیها و سرکوبها، فقط و فقط جارو کردن بساط این مفتخوران کودن و مرتجع است.*

از جنایات کهریزک تا "بصیرت رهبر"

محمد شکوهی

حداد عادل نماینده مجلس رژیم که پیرامون "روشنگری" در باره "بصیرت خامنه ای" و نحوه برخورد وی با اعتراضات سال گذشته در جمع عوامل رژیم سخنرانی می کرد، برای نشان دادن "بصیرت" رهبرش، به موضوع کهریزک اشاره کرده و گفته است: کشته شدن سه نفر در کهریزک علت بود، نه معلول، وی در ادامه افزود: خامنه ای در نماز جمعه معروف خود فرمودند که از این آقایان خواهش می‌کنم که اردو کشی خیابانی را متوقف کنند. زیرا رهبری با بصیرت می‌دانست که اگر کسی دچار احساسات شود کنترلش آسان نیست و در همین تظاهرات آرام و به اصطلاح منطقی معترضین نیز که دیدیم آنها به پایگاه بسیج حمله کردند. بسیج نیز باید از خود دفاع می‌کرد که در این بین چند نفر از هر دو طرف کشته شدند و فتنه ۸۸ با ادعای تقلب در انتخابات شروع و با تکیه بر حوادث کهریزک و کوی دانشگاه ادامه یافت!" واقعا اینها به چه معضل جدی ای در مورد جنایاتشان در کهریزک دچار شده اند که به هذیان گویبهای مداوم

مجبورشان ساخته است! کهریزک علت بود نه معلول! کهریزک اصلا توسط فتنه گران علم شد و بدست گرفته شد! و قبلا احمدی نژاد گفته بود که جنایات کهریزک کار عوامل فتنه است! در طول یک سال و اندی که از جنایات جلادان حکومت در کهریزک می‌گذرد، سران و مقامات رژیم نهایت سعی و تلاش شان را برای زیر فرش زدن ابعاد جنایاتشان در دستور گذاشتند. از قضا خود جناب حدادعادل از جمله کسانی بود که بیشترین تلاش ها را در مجلس رژیم برای ایجاد حلقه امنیتی دور و بر عاملان و آمرین جنایات کهریزک به عمل آورد تا بلکه جانیانی چون سعید مرتضوی و رادان و احمدی مقدم و سایر متهمین این جنایات را زیر چتر حمایت خامنه ای و مجلس قرار داده، از این جانیان رفع اتهام نموده و موجبات زندگی امن، البته با داشتن مسئولیت های دیگر به همراه پاداش برای عاملان این جنایات دست و پا نماید.

حداد عادل آنجایی که کل رژیم زیر فشار افکار عمومی و جو اعتراضی و بویژه اعتراضات بازماندگان جنایات کهریزک به اوج خود رسیده بود و عناصری از خود حکومت ناچار شده بودند که از مجلس بخواهند در این مورد موضع گیری نماید، در مقام یکی از عناصر مهم رژیم در مجلس به باند های "مترزل" حکومت که مبادا فریب فتنه گران را بخورند، هشدار داده و نهایت سعی و تلاش خود را برای سالم بدر بردن مسئولان جنایات رژیم در کهریزک به کار گرفت. ادعاهای مسخره و بی شرمانه حداد عادل در این مورد و جنایات حکومتی کهریزک، ادامه همان بصیرت خامنه ای است که چیزی جز جنایت و سرکوب و اعدام و شکنجه نبوده و نیست. بصیرت وی همان بصیرت خامنه ای است که سال گذشته اعتراضات میلیونی مردم را به خاک و خون کشیدند تا نظامشان را فعلا سالم از مخصه بیرون ببرند. اما اگر توانستند مرتضوی را حتی وقتی که انقلاب در خیابانها نیست سرپشت نگه دارند و نجات بدهند، نظامشان را هم میتوانند نجات دهند. مردم دیگر به این جانیان فرصت نخواهند داد. خامنه ای و دولت و از جمله خود

حداد عادل به همراه همه مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی باید دستگیر و به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت محاکمه شوند. و آن روز دور نیست.*

هفته گذشته دو فیزیکیان در ایران مورد حملات تروریستی قرار گرفتند. یکی از آنها در این حملات کشته شد همسر وی، فیزیکیان دیگر

تور دو فیزیکیان در تهران و ادعاهای رژیم



بهروز مهر آبادی

و همسرش مجروح شدند. چند ماه قبل نیز فیزیکیان دیگری در تهران در انفجار بمب توسط اشخاص ناشناس، کشته شد. جمهوری اسلامی مدعی شد که این دو فیزیکیان با پروژه های هسته ای رژیم همکاری داشته و این ترورها توسط اسرائیل و دیگر دولتهای خارجی انجام شده است. اما هیچکس به این ادعا ها باور ندارد. اسناد ترور همکاران نزدیک جمهوری

تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید، به آن کمک مالی کنید!

کانال جدید صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند. کانال جدید صدای مبارزه برای سرنگونی حکومت دزدان میلیاردی و آدمکشان حرفه ای است. کانال جدید، ابزار کارگران، زنان، جوانان و همه مردم محروم برای متحد شدن، متشکل شدن و سازمانگری و انقلاب علیه نظام کثیف سرمایه داری اسلامی است. کانال جدید مدافع پر و پا قرص سوسیالیسم یعنی آزادیخواهی، عدالت، برابری و یک زندگی انسانی است. این کانال شما مردم است، به هر شکل که می‌توانید مشخصات آنرا به دیگران اطلاع دهید:

هر شب از ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم ایران، هات برد، شبکه KBC فرکانس ۱۱۲۰۰، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰، عمودی، اف ای سی ۵/۶، در برنامه های پخش مستقیم شرکت کنید: می‌توانید در برنامه های پخش مستقیم با شماره تلفن ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ شرکت و اظهار نظر کنید. تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷، nctv.tamas@gmail.com، Wwww.newchannel.tv،

به کانال خود کمک مالی کنید. با ما تماس بگیرید تا شما را برای ارسال کمک مالی راهنمایی کنیم. اما اگر دوست و آشنایی در خارج کشور دارید ساده ترین راه، ارسال کمک از طریق آنها است.

مرگ بر حکومت نکبت اسلامی

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

زنده باد سوسیالیسم

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

قتل شهلا جاهد، عدالت به سبک اسلامی

یاشار سهندی

بالاخره رژیم ددمنش جمهوری اسلامی کار خودش را کرد و شهلا جاهد را به قتل رساند. سحرگاه چهارشنبه ها برای ما مردم ایران به کابوس تمام نشدنی تبدیل شده است. سحرگاه چهارشنبه ها با طلوع خورشید چرخه زندگی به حرکت در نمی آید بلکه قاتلان نفس زندگی را اعدام میکنند. این شیوه روتین حکومتی است که سی سال است با اعدام و اعدام خودش را سر پا نگهداشته است. اعدام و کشتار در واقع اعلام جنگ این جنبش کثیف رویه مرگ و خارج از تاریخ با بشریت است. جنبشی که تاریخش هزار سال است تمام شده است و به همین روشها برای چند صبح سرپاماندن نیاز دارد. این شیوه روتین دستگاه قضائی حکومتی است که از قربانیان حوادثی مانند قتل، قاتل میسازد. فرزند لاله سحرخیزان را به جایی رسانند که با کشیدن چهار پایه از زیر پای شهلا جاهد برای همیشه به کسی تبدیل کرده اند که واقعیت هولناک کشتن تعدمی انسانی را باید با خود بکشد. این شیوه روتین حکومت قاتلان اسلامی است که پشت سر خانواده مقتولین پنهان میشود و جنایت خود را به کمک ایشان انجام میدهد و مدعی میشود که "خودشان قصاص خواستند"، همین یک عمل کافی است که این خود حکومت را به دادگاه کشاند به جرم جنایت علیه بشریت. در ماجرای قتل فاطمه حقیقت پژوه و قتل دل آرا دارایی عمق عمل جنایتکارانه این رژیم به نمایش در آمد و قتل شهلا جاهد نمونه سبانه دیگری از شیوه "اجرای عدالت" به روش اسلامی میباشد.

"عدالت" واژه ای بی معنی در قاموس قضاوت به شیوه اسلامیون است. عدالت در این حکومت یعنی قساوت، یعنی ددمنشی در اوج آن. در مورد شهلا با وجود دلایل زیادی که ثابت میکند نمی توانسته او قاتل باشد اما حکومت اسلامی عدالت

خودش را اینگونه نشان داد که از ابتدا تصمیم گرفت او را بکشد تا اقتدار دستگاه پلیس و قضایی و کل حکومت خود را به رخ مردم بکشد. این اوج نمایش "عدالت اسلامی" است. عدالت اسلامی یعنی نمایش قساوت و بی رحمی با تمام هیبتی که این دو صفت را میتوان نمایش داد. شهلا جاهد قربانی عشق خود نشد بلکه قربانی عدالتی شد که میخواهد مردم ساکت، به زنجیر بردگی خو کنند. اما این مردم ساکت نبودند و گر نه این همه قربانی از ایشان گرفته نمیشد. صدای فریاد این مردم اکنون در جهان پیچیده است که جهانی به اعتراض به شنیع ترین حکم اسلامی یعنی سنگسار به اعتراض پرداختند. شهلا جاهد را کشتند شاید آشوبی که با اعتراض جهانی علیه سنگسار سکینه به جانسان افتاده بود آرام گیرد و با نشان دادن اینکه میتوانند هنوز کسانی را به طناب به قتل برسانند شاید مردم سر به زیر اندازند و تن به هر گونه ستم و ظلمی بدهند. کاری که با "دل آرای ما" کردند اما جوابش را همان روز، روز اول مه گرفتند، جوابش با حضور میلیونی مردم در کمتر از دو ماه بعد گرفتند و به قول خودشان "فتنه" ای به جانسان افتاد که زبانه های آن هر دم از سویی سر بر میکشد. در این میان انسانهایی مانند شهلا جاهد قربانی دد منشی حکومت اسلامی میشوند تا مگر دو روز بیشتر این حکومت که باعث و بانی له شدن کسانی مانند شهلا ها، فاطمه ها و کبری ها و دل آرا هاست، به موجودیت منحوس خود ادامه دهد. بار دیگر ثابت شد (و به چه قیمت گرانی هر بار ثابت میشود، به قیمت جان یک انسان) در جنبش اسلامی، چه در شکل حکومتی اش و چه در شکل اپوزیسیون یک حکومت، خشونت بی حد و حصر نهادینه است و همین مایه و ظرفیت آن است که مطلوب بورژوازی در جهان شده است که میتواند به شکل حکومت به بقای خود ادامه دهد. باید و میتوان مبارزه خود را بر علیه این جنبش ضد بشری و بخصوص جمهوری اسلامی تیزتر کرد و شتاب بیشتری

بخشید. شهلاها و دل آراها و فاطمه ها اسیران دست این حکومت هستند که به قربانگاه برده میشوند و باید نقطه پایانی بر این جنایتهای جمهوری اسلامی گذاشت و این جز با سرنگون کردن این حکومت به دست خود مردم امکان پذیر نمی باشد. با سرنگونی این حکومت انسانیت آهی از سر آسودگی خواهد کشید، یاد قربانیانش را عزیز خواهد داشت. و زیبایی را به طلوع خورشید باز خواهد گرداند.*

حکومت ضد زن مایه "شرمساری" بشریت است هادی وقتی

اخیرا "صافی گلیپایگانی" یکی از آیت الله های خرفت در دیدار جمعی از اعضای جامعه روحانیت شیراز به انتقاد از اعزام ورزشکاران زن به خارج از کشور پرداخته و آن را مایه "شرمساری" دانسته و از دولت خواستار جلوگیری از این نوع مسائل شده است. او همچنین گفته است "انجام معاصی و گناهان و بدحجابی ها در بروز مسأله خشکسالی تأثیر زیادی دارد" و اینکه "بسیار مایه شرمساری است که ناموس ما در انتظار عمومی ظاهر شود"! این نخستین بار نیست که آخوندهای مفتخور حکومت اسلامی اینجا و آنجا عقب ماندگی و بی ربطی خودشان را به انسانیت و زندگی مدرن به رخ مردم می کشند و به آن افتخار می کنند. این تنها نمونه نیست که جمهوری اسلامی به جنگ زنان و خواسته های برحق آنها می رود. چندی پیش هم یکی دیگر از آخوندهای امام جمعه، سینه های باز زنان را موجب وقوع زلزله دانسته بود که به بهانه آن کمپین وسیعی در دنیا شکل گرفت و بسیاری از زنان و دختران در سراسر جهان سینه های خود را باز کردند تا ببینند زلزله ای بوقوع می پیوندد یا خیر! این حکومت با قوانین مذهبی اش، کاملاً یک ساختار سیاسی ضد زن و ضد انسان است و به همین دلیل هم همواره یکی از درگیرهایش در عرصه های مختلف برخورد با زنان بوده است. اینکه تلاش کند تعداد

گنبد "این مایه شرمساری است که ناموس ما در انتظار عمومی ظاهر شود" و همین نکته تمام مسئله را روشن می کند. آخوندهای مفتخور حکومت اسلام، مرد را صاحب زن می دانند. بیشتر از سی سال است که گفته اند زن ما ناموس ماست. باید نگاه داریم و برای این کار اساساً بهتر است ناموس ما در خانه بماند! بیرون نرود و مردان نامحرم را تحریک نکنند تا ما بتوانیم در پرتو این چرندیات مذهبی دزدی و کشتار کنیم. حکومت اسلام را پابرجا نگاه داریم. گلیپایگانی و بسیاری دیگر از آخوندهای این حکومت به این مزخرفات معتقدند چون از این راه کسب درآمد می کنند. برای اینکه مردم را در خرافات مذهبی غوطه ور کنند، پول می گیرند. کل جمهوری اسلامی هم، اساساً بساطی است که بر پایه همین غارت و چپاول مردم بنا شده است و بالاینحال، از بخت بد اینها، جامعه انقلابی و جوان ایران هم اکنون بسیار روشن تر و مدرن تر می اندیشد. بهترین های زندگی را میخواهد و به همان اندازه که روشن تر می شود و از خرافات مذهبی فاصله می گیرد و نسل جوانش میخواهد مثل آدم زندگی کند، با رژیم اسلامی بیشتر درمی افتد. چون رژیم اسلامی بر عکس است. با قوانین مذهبی و ضد انساوش و با اعدام و سنگسارش مایه شرمساری بشریت است. این حکومت با خواسته ها و آرمان های مردم ایران و تمام جهان چفت و جور نشدنی است و دور نیست روزی که مردم ایران با زیر کشیدن جمهوری اسلامی به این صنعت مذهب و خرافه و عقب ماندگی نقطه ختمی گذاشته و بختک ارتجاع اسلامی را از سر خود کوتاه کنند.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

زنده باد سوسیالیسم!

"کارگروه" حل اختلافات؛ ...

از صفحه ۱

جدیدی شد که ابعاد و دامنه و عمق آن قابل مقایسه با قبل نیست. احمدی نژاد و دار و دسته ای از میان خود اصولگرایان از زمان تصدی ریاست جمهوری ایران دو سیاست را در اولویت کارهای دولت خود قرار دادند. اول، سازماندهی و بازسازی نیروهای نظامی و امنیتی، سپاه و بسیج در کنار نیروی انتظامی بمنظور سرکوب، کشتار و ایجاد فضای ارعاب در جامعه، و دوم تحمیل ریاضت اقتصادی و فقر و گرسنگی هر چه بیشتر به مردم برای خروج از بحران های اقتصادی جمهوری اسلامی. احمدی نژاد گمان می کرد می تواند با بهره گیری از سیاستهایی که بنیادهای مالی جهان برای برون رفت از بحران های عام و دوره ای سرمایه داری اعلام کرده اند، راهی برای رفع بحران های لاعلاج اقتصادی جمهوری اسلامی پیدا کند. قرار بود سیاست اول یعنی سرکوب و بگیر و ببند و ایجاد فضای آکنده از ترس و وحشت، زمینه و بستر مناسبی را برای وارد آوردن فشار اقتصادی مضاعف به مردم فراهم کند اما، اینچنین نشد. جامعه آرام نگشت و عقب نشست و احمدی نژاد و خامنه ای و کل دم و دستگاه خونین رژیم اسلامی در تحقق تمام این سیاست ها به بن بست رسیدند. دیوانگی احمدی نژاد و تمام مقامات و جناح ها و گروه هایی که خواستار حفظ این ماشین آدمکشی و دزدی هستند و هذیان گویی هر روزه شان،



در همین بن بست، ناکارایی، از هم گسیختگی و از همه بدتر، در همین رویارویی با آتشفشانی از خشم و تنفر عمومی که هر آن ممکن است دهان احمدی نژاد مربوط میشود، او در این دیوانگی و شیدایی برای رسیدن به اهداف مالیخولیایی اش تا آنجا پیش رفت که با تکیه بر اقلیتی نظامی و وحشی و افسارگسیخته، حتی باصطلاح مقدسات جمهوری اسلامی را هم زیر پا گذاشت و صدای خود اصولگرایان و حامیان را در مجلس رژیم درآورد. احمدی نژاد بمنظور بهره گیری از ظرفیت های ارتجاعی ناسیونالیسم برای حفظ نظام، "مکتب ایرانی" را جایگزین "مکتب اسلامی" کرد. ماجرای که سر و صدای بسیاری در میان اصولگرایان برانگیخت و خود احمدی نژاد هم در این مسیر تا مرز شاخ به شاخ شدن با خامنه ای که جایگاه و نقش روحانیت را کمرنگ شده می دید، پیش رفت. او در این مورد سفت و سخت پشت اسفندیار رحیم مشایی را گرفت و در حمایت تمام و کمال از این دوست و شریک دزدی هایش از دوران استانداری و فرمانداری اش در اردبیل و آذربایجان کوتاه نیامد. همچنین به نقض گفته خمینی جلال پرداخت که گفته بود "مجلس در رأس امور است" و آن را متعلق به

دورانی دانست که پست نخست وزیری در ایران وجود داشته است. به اعتراف خود مقامات رژیم، احمدی نژاد در طول این مدت با خودسری تمام و کمال، اتفاقا در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی، با کلاهبرداری و سپاه کاری، مصویات مجلس رژیم را نادیده گرفت و بودجه های کلان مملکت را به تشخیص خودش هزینه کرد و بر باد داد.

همین سیاست ها و مواضع طیف احمدی نژاد در به چالش کشیدن مجلس رژیم بالاخره باز هم در هفته های اخیر پای خامنه ای را بمیان کشید. با اوج گیری نزاعها او از شورای نگهبان خواست که با تشکیل کمیته ای مرکب از نمایندگان دولت، مجلس و شورای نگهبان به حل این اختلافات بنشینند. ریاست این "کارگروه" به آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان سپرده شد و آنچنانکه از ابتدا هم قابل پیش بینی بود، کارگروه تشکیل شده برای حل اختلافات، خود به موضوع اختلافات جدی میان طیف خامنه ای و احمدی نژاد و بخشی در میان اصولگرایان و به فرصتی برای افشای هر چه بیشتر پوسیدگی و فساد ساز و کار سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل شد. قرار بود خامنه ای نمایندگانش را بفرستند تا با زبان خوش به دار و دسته ای که خودشان را نماینده مجلس می نامند، بفرمانند که نباید پا را از گلیم خودشان فراتر بگذارند. و اینچنین مجلسیان سکوت کردند و آنطرف تر، نمایندگان خامنه ای در شورای نگهبان، هر روز نظرات

جدیدی را که هر چه بیشتر از قدرت و اختیارات مجلس می کاست، بعنوان نظرات کارگروه و باصطلاح پیشنهادات به مقام رهبری، در رسانه ها اعلام کردند. در نهایت هم نتیجه ۱۸ جلسه شورای حل اختلافات دولت و مجلس با امضای جنتی برای خامنه ای فرستاده شد. وقتی هم که اعتراض کردند، از سوی نمایندگان شورای نگهبان پاسخ شنیدند که آنها فقط پیشنهاد داده اند و تصمیم گیرنده نهایی خامنه ای است. قرار است بیت رهبری و نهادهای زیر نظر رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان گرفته تا مجلس و تمام دم و دستگاه سیاسی - اجرایی اش، در سی سال گذشته فقط دزدیده اند و کشته اند و پرونده سازی کرده اند و دروغ گفته اند و آمار و ارقام جنجالها و درگیریهای خود را به رخ جهانیان کشیده اند. مردم ایران در این مرحله از انقلابشان برای پایان دادن به بربریت و وحشیگری جمهوری اسلامی، اساسا این جانیان را بحال خود رها کرده اند و فقط مترصد فرصتی هستند تا با باز شدن دوباره شکاف در بدنه حاکمیت، کلیت این بساط مذهبی را پایین بکشند. تمام این اختلافات، آخرین دست و پا زدن ها و تلاش ها و نمایش های کلیت جناح های این حکومت است برای ماندن. دست و پا زدن های پست ترین، خونریزترین و متملق ترین حاکمین تاریخ در شرایطی که هیچ آبرو، حیثیت و مشروعیتی در ایران و جهان برایشان باقی نمانده است. *

میخواهند بکنند. اما... اختلافات و تضادها در درون ساختار مذهبی این رژیم مدتهاست به مرزهای غیرقابل حل خود رسیده و هر روز با افشاگریهای متقابل مقامات جنایتکارش، از عمر این بنای پوسیده مذهبی کاسته شده و در عین حال، به قدرت، آگاهی، خشم و اراده مردم برای زیر کشیدن حکومت اسلامی افزوده میشود. مردم ایران بخوبی می دانند که کل ساختار مذهبی جمهوری اسلامی، از بیت رهبری و نهادهای زیر نظر رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان گرفته تا مجلس و تمام دم و دستگاه سیاسی - اجرایی اش، در سی سال گذشته فقط دزدیده اند و کشته اند و پرونده سازی کرده اند و دروغ گفته اند و آمار و ارقام جنجالها و درگیریهای خود را به رخ جهانیان کشیده اند. مردم ایران در این مرحله از انقلابشان برای پایان دادن به بربریت و وحشیگری جمهوری اسلامی، اساسا این جانیان را بحال خود رها کرده اند و فقط مترصد فرصتی هستند تا با باز شدن دوباره شکاف در بدنه حاکمیت، کلیت این بساط مذهبی را پایین بکشند. تمام این اختلافات، آخرین دست و پا زدن ها و تلاش ها و نمایش های کلیت جناح های این حکومت است برای ماندن. دست و پا زدن های پست ترین، خونریزترین و متملق ترین حاکمین تاریخ در شرایطی که هیچ آبرو، حیثیت و مشروعیتی در ایران و جهان برایشان باقی نمانده است. *

علیه حکومت اعدام و سنگسار در ایران و در خارج کشور

سحرگاه روز چهارشنبه ۱ دسامبر جمهوری اسلامی شهادت جاهد را علیرغم اعتراضات وسیع بین المللی به دار آویخت. او را به دار آویخت که توان آدمکشی اش را نشان دهد تا جامعه سراپا اعتراض را مرعوب کند. اما اعدام شهادت با موج عظیمی از خشم و نفرت علیه جمهوری اسلامی و دستگاه تولید

همه شهروندان دنیا، از همه سازمانها و مخالفین اعدام میخواهد که روز شنبه ۴ دسامبر در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و در مراکز شهرها تجمع کنند، حکومت آدمکشان اسلامی را شدیداً محکوم کنند و یکپارچه اعلام کنند که اعدام جنایت است و باید متوقف شود. جمهوری اسلامی باید بداند که طوفان درو خواهد کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام ۱ دسامبر ۲۰۱۰

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با

یابک بردی (کانادا - آمریکا) : تلفن : ۰۰۱-۲۱۶ ۷۵۳۳۳۶۶
 ۰۰۱-۲۱۶ ۲۷۱۱۲۸
 ایمیل : babak Yazdi@yahoo.com

زری اسلی (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن : ۰۰۱-۶۰۲ ۷۲۷ ۸۸۸۶
 ایمیل : zariast@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۴۶-۷۳۲۹۸۱۷۰
 ایمیل : nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (اتریش) : تلفن : ۰۰۴۳-۷۹۵۰۲۲۲۲۳
 ایمیل : jallilu@yahoo.com

مهن کوشتا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۵۲۳
 ایمیل : mahinkusha@t-online.de

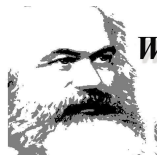
کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

مجله فصلی

ترجمه جمشید هادیان



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
 Worker-Communist Party of Iran
 www.wpiiran.org

آکسیون اعتراضی به حکم اعدام شهلا جاهد در گوتنبرگ، مالمو (سوئد)، لندن، تورنتو (کانادا)



International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای
واریز کمک: <http://countmein-iran.com/donate.html>

شهلا جاهد را کشتند!



دقایقی پیش در زندان اوین یک جنایت هولناک دیگر اتفاق افتاد. در حالیکه از ساعات اولیه صبح سه شنبه، جلادان خبر اجرای حکم در ساعت پنج صبح روز چهارشنبه را به وکیل و خانواده شهلا جاهد اطلاع داده بودند، نبردی با شانیه ها آغاز شده بود و شهلا ۲۴ ساعت را با بیم و اضطراب و با امید و ناامیدی سرکرد.

او صبح روز سه شنبه در یک تماس تلفنی به من گفت که از همه کسانی که برای نجات او تلاش کردند، تشکر میکند. او بسیار با روحیه بود و از همگان تشکر میکرد. در پای چویه دار آنگونه که خبر میرسد، او با صدای بلند گریه میکرد و چندین بار تعادل خود را از دست داده است.

شهلا همانگونه که خود گفت، قربانی بود. قربانی یک بند و بست کثیف پشت پرده، برای عدم پیگیری یک پرونده قتل و برای خاک پاشیدن به چشم همه در مورد قتلی که هیچگاه روی آن بررسی دقیق نشد.

بعد از قتل همسر ناصر محمد خانی، حکومت اسلامی در صدد یافتن یک قاتل بود که او را بکشد و پرونده را مختومه اعلام کند چه کسی بهتر از یک زن که میتوانست از او تصویر شیطانی بسازد و علیه او

که در ایران مشتی جلد و جنایتکار سر کار هستند که به راحتی آب خوردن جنایت سازمان میدهند و با این جنایات نفس میکشند و ادامه حیات میدهند. دستگاه قضایی این حکومت، دستگاه سازمان دهی جنایت علیه مردم است. تصمیمات به اصطلاح قضات این دستگاه مبتنی بر هیچ استاندارد بین المللی نیست. بی عدالتی محض و تصمیمات سیاسی و سازمان دادن بیرحمانه قتل و جنایت، عملکرد این دستگاه جنایتکار است.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که خشم و انزجار خود را به یک حرکت بزرگ علیه رژیم تبدیل کنند. ما باید در همه جا به این جنایت وحشیانه اعتراض کنیم. باید نشان دهیم که حکومت اسلامی ایران با این جنایات نمیتواند برای خود عمر بخرد. ما این حکومت را نمیخواهیم و با نیروی خودمان میتوانیم این حکومت را به زیر بکشیم. این تنها راه مرهم نهادن به زخم عمیقی است که بر دل خانواده شهلا و شهلاها نهاده شده است. اینها مشتی جلد و آدم کش هستند که برای زهر چشم گرفتن از مردم معترض، شهلا جاهد را کشتند. اعتراض به این جنایت بیرحمانه را به اعتراض علیه حکومت اسلامی تبدیل کنید و در همه جا به این وحشیگری حکومت اسلامی اعتراض کنید!

این یک جنایت بیرحمانه و وحشتناک بود که جز نفرت و خشم عمیق مردم، چیزی برای جانبداران پی نخواهد داشت. حکومت اسلامی طوفان درو خواهد کرد. مردم ایران این بار میلیونها نفر مردم دنیا دیدند

این یک جنایت بیرحمانه و وحشتناک بود که جز نفرت و خشم عمیق مردم، چیزی برای جانبداران پی نخواهد داشت. حکومت اسلامی طوفان درو خواهد کرد. مردم ایران این بار میلیونها نفر مردم دنیا دیدند

این یک جنایت بیرحمانه و وحشتناک بود که جز نفرت و خشم عمیق مردم، چیزی برای جانبداران پی نخواهد داشت. حکومت اسلامی طوفان درو خواهد کرد. مردم ایران این بار میلیونها نفر مردم دنیا دیدند

minaahadi@aol.com

روزنامه سیتی در سوئد در گفتگو با فریده آرمان: جمهوری اسلامی قصد کشتن شهلا جاهد را دارد!



روزنامه سیتی در استان اسکونه سوئد با انتشار مصاحبه ای با فریده آرمان پیرامون ۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت نسبت زنان، به قصد جمهوری اسلامی برای کشتن شهلا جاهد پرداخت. در این مصاحبه فریده ضمن اشاره به خشونت دولتی و قانونی به زنان در ایران و بسیاری از کشورهای مذهب زده اعلام کرد که جمهوری اسلامی می خواهد شهلا جاهد را در اول دسامبر اعدام کند. وی با شاره به شواهد زیادی که حکم

بر بی گناهی شهلا جاهد دارد، اعدام زنان در ایران را یکی از جلوه های خشونت دولتی علیه زنان ارزیابی کرد و خواهان متوقف شدن آن شد. خاطر نشان کنیم که روز ۲۵ نوامبر در نقاط مختلف شهر مالمو در جنوب سوئد چندین میتینگ در محکومیت خشونت نسبت به زنان برگزار شد. در یکی از این میتینگ ها که به ابتکار کمیته دفاع از حقوق زنان برگزار گردید، معترضین عکسهای شهلا جاهد را در دست

داشتند و تلاش کردند حمایت شهروندان سوئدی را برای متوقف کردن اعدام شهلا جاهد جلب کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۷ نوامبر ۲۰۱۰

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

جوان دالاس ۵۰ دلار بهمن خانی ۲۰۰ یورو
منصور دالاس ۵۰ دلار امیر حسن زاده ۱۰۰ دلار
احمد حسینی ۶۴۰ دلار عباس ایاق ۵۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

حاضر دوره آغاز شدید ترین تلاطمها و خیزشهای اعتراضی است.

۵- مجموعه این شرایط وخیم سیاسی و اقتصادی، که خود در بحران مزمن حکومتی بورژوازی ریشه دارد، بیش از پیش این بحران را تشدید کرده و در پاسخ به آن دو آلترناتیو طبقاتی را برجسته میکند و به محور سیاست در ایران میراند: یا بورژوازی باید "بحران جمهوری اسلامی" را با "رژیم چنج" یا سناریوهایی نظیر آن و به شکست کشاندن انقلاب مردم و منکوب کردن جامعه حل کند و شرایط سیاسی و اقتصادی متعارف و مناسب برای کارکرد سرمایه در ایران را فراهم آورد و یا پرولتاریا با بزیر کشیدن رژیم اسلامی بقدرت انقلاب مردم جامعه را به سمت رفاه و آزادی و برابری رهنمون شود. دوره حاضر تنها به یکی از این دو طریق میتواند بفرجام برسد و همه شواهد نشان میدهد که وضعیت سیاسی بیش از پیش به سمت راه حل دوم سوق پیدا میکند و انقلاب در دستور کار جامعه قرار میگیرد.

با توجه به نکات فوق پلنوم بر آماده بودن شرایط سیاسی و اجتماعی برای بسیج و سازماندهی توده مردم علیه ماشین جنایت و غارت جمهوری اسلامی تاکید میکند، و فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی را به آگاهگری و بسیج و سازماندهی کارگران و توده مردم برای تعرض همه جانبه با وضعیت فلاکتبار اقتصادی حاضر، مقابله با سیاستها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی فرا میخواند.

از صفحه ۱

۲- مشخصات فوق حاکی از آنست که بحران سیاسی حکومت بمراتب تشدید شده و جمهوری اسلامی به ضعیف ترین و شکننده ترین موقعیت خود در سه دهه گذشته رانده شده است. محور همه سیاستها و عملکردهای حکومت تلاش برای حفظ و بقای خود در برابر یک جامعه ناراضی و در حال انفجار است.

۳- سیستم اقتصادی رژیم در یک بن بست و در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. از یکسو فساد و دزدی و ارتشا در سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی که ملقمه ای از از رانت خواری و بازار قاچاق و اسپیکولاسیون و زمین خواری و دلالی و معامله گری و غیره است پیدای میکند و از سوی دیگر باند پلیسی- امنیتی حاکم، باند مالتی میلیاردر آیت الله ها و سردارهای سپاهی و بسیجی، کل اقتصاد را تحت سلطه کامل خود گرفته و مستقیما در برابر کارگران و مردم ناراضی و معترض به این وضعیت قرار گرفته است. تحریمهای بین المللی در کنار طرح حذف یارانه ها که تلاشی برای جلوگیری از فروپاشی کامل اقتصاد و متعارف تر کردن وضع اقتصادی است به وخامت این وضعیت می افزاید.

۴- جامعه در آستانه یک خیزش و برآمد انقلابی دیگر است. ناتوانی آشکار حکومت در مرعوب و نومید کردن جامعه و تلاشهای همه جانبه ای انتظامی- امنیتی که برای مقابله با اعتراضات وسیع مردم و "فتنه اقتصادی" آغاز کرده است مبین شرایط انفجاری جامعه است. دوره

قطعه نامه در مورد موقعیت ...

اسلامی در افکار عمومی مردم جهان و نزد رسانه ها بعنوان حکومت منبعت از انقلاب ۵۷ و نماینده جامعه "اسلامی" و یا "تمایلات ضد آمریکائی" مردم ایران و محو تصویر جامعه ایران بعنوان جامعه اسلامی که حکومت را پذیرفته و یا به آن تمکین کرده است. اکنون بر وسیع ترین توده های مردم در ایران و جهان این واقعیت کاملاً عیان شده است که جمهوری اسلامی مثل هر دیکتاتوری سرکوبگری در دنیا یک باند فاسد و غارتگر و جنایتکار پلیسی- امنیتی- اقتصادی در برابر مردم بجان آمده ای است که میخواهند بزیرش بکشند.

د- عروج سیاسی نسل جوان. نسل جوان جامعه در یک چالش عظیم سیاسی و در رویارویی مستقیم با دولت و نظام اسلامی در یک مقیاس وسیع اجتماعی آموزش دیده، آبدیده شده و بعرضه مبارزه بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی قدم گذاشته است.

ه- انزوای جهانی رژیم و حمایت وسیع جهانی از مردم ایران و مبارزاتشان. وارد شدن فاکتور مردم در دیپلماسی جهانی.

و- بهم ریختگی و تشتت کامل صفوف حکومت. دارو دسته های حکومتی یکدیگر را صریحا و علنا خارج از نظام و ضد نظام میدانند و اعلام میکنند. از بین رفتن اتوریته و اعتبار ولی فقیه حتی در میان بخشی از جناح اصولگرا و بزیر سؤال رفتن مشروعیت "رهبر" و دولت موجود برای بخش وسیعی از خود حکومت.

زندگی انسانی حق مسلم ماست

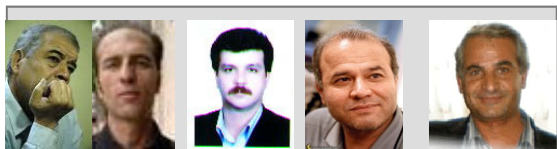
شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اکتبر ۲۰۱۰ - ۵ آبان ۱۳۸۹

برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصممیم انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان ندادیم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!



غلامرضا غلامحسینی، منصور اسانلو، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش bahrām.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرايطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



مهر به مدت پانزده روز دست به اعتصاب غذا زد، تا اینکه سرانجام وی را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند.

جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و مبارزه برای یک زندگی انسانی است. بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
۱۰ آذر ۸۸ - ۱ دسامبر ۲۰۱۰



حمایت و همبستگی را در حمایت از کارگران زندانی و حقوق پایه ای کارگران در ایران جلب کنیم.

باید با تمام قدرت در برابر این فشارها و صورو احکام زندان و تهدید فعالین و رهبران کارگری ایستاد و از حق تشکل و اعتصاب قاطعانه و فعالانه دفاع کرد. به کمپین برای آزادی کارگران زندانی پیوندید و به هر شکل که میتوانید این کارزار را تقویت کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ آذر ۸۸ - ۲ دسامبر ۲۰۱۰

ابراهیم زاده را شدیداً محکوم میکنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در جریان است. با تمام قوا به این کارزار پیوندید و خود را فعال این کمپین بدانید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ آذر ۸۸ - ۲ دسامبر ۲۰۱۰

جانین اسلامی بهنام ابراهیم زاده را در ۲۲ آذر دادگاهی میکنند

دادگاه تشکیل شود که به بهانه عدم حضور نماینده دادستان، دادگاه تشکیل نشد و بدین ترتیب در این مدت بهنام را بلا تکلیف در زندان نگاهداشته و مرتب او و خانواده اش را سردوانده اند.

بهنام زیر شکنجه و اذیت و آزار قرار داشته و در اثر این فشارها حتی شنوایی گوش سمت چپ خود را از دست داده و از بیماری گوارشی رنج میبرد. در اعتراض به این فشارها و بازداشت و وضعیت بلا تکلیف در زندان، بهنام در ۷

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و عضو انجمن کودکان کار و خیابان نزدیک به ۶ ماه است که در زندان است. او قرار است در ۲۲ آذر ماه توسط جانین اسلامی دادگاهی شود. برای او قبلاً وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود، اما وثیقه را از خانواده اش تحویل نگرفتند و بهانه آوردند که این وثیقه از شهرستان است و باید از تهران باشد. پس از آن بازداشت وی یکماه تمدید شد. سپس قرار بود در ۱۶ آبان برای او

اطلاعیه شماره ۶۱:

رضا رخشان رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، به شش ماه زندان محکوم شد

هفت تپه، حکم شش ماه زندان برای رضا رخشان را حکمی ناعادالانه خوانده و بر حق قانونی این سندیکا در دفاع از اعضایش تأکید کرده است.

ما ضمن محکوم کردن این حکم همه کارگران در سراسر ایران را فرامیخوانیم که وسیعاً در برابر تعرضات رژیم جنایتکار اسلامی به رهبران و فعالین کارگری بایستند و دست به اعتراض بزنند. ما تلاش میکنیم که صدای این اعتراض در سطح جهانی باشیم و بیشترین

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، روز چهارشنبه ۱۱ آذر، با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در شهر اهواز، رضا رخشان، رئیس هیئت مدیره این سندیکا را، به اتهام "نشر اکاذیب" به شش ماه زندان محکوم کرده است. این درحالیست که دادگاه بدوی وی را از این اتهامات تبرئه کرده و او با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. در این بیانیه سندیکای کارگران شرکت نیشکر

اطلاعیه ۶۲:

دستگیری علی اکبر نظری را محکوم میکنیم

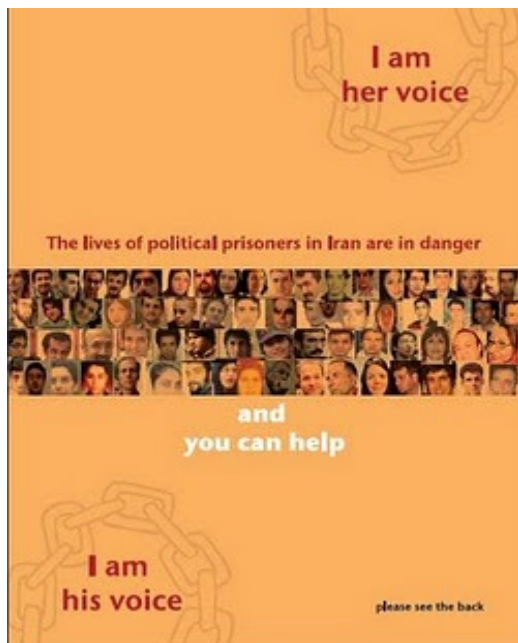
در حال حاضر ۴ نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد به اسامی رضا شهابی، ابراهیم مددی، مرتضی کساری و علی اکبر نظری در زندان اوین و غلامرضا غلامحسینی در زندان رجایی شهر در بند هستند.

ما دستگیری علی اکبر نظری، در بازداشت نگاهداشتن کارگران شرکت واحد، صدور احکام زندان برای کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه و در بند نگاهداشتن بهنام

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، علی اکبر نظری یکی از اعضای این سندیکا بر اساس احضار تلفنی که از طرف شعبه دوم ویژه امنیت انجام گرفته بود، روز دوشنبه ۸ آذر به این دادسرا مراجعه و با صدور قرار کفالت ده میلیون تومانی بازداشت و به قرنطینه زندان اوین منتقل شد. علی اکبر نظری بعد از بازداشت طی تماس تلفنی با یکی از همکارانش از انتقال خود به زندان اوین خبر میدهد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



برنامه ای در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

شامل: سخنرانی، موزیک و فیلم

اسلو - کتابخانه گروتولوکا

شنبه ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ ساعت ۲۰:۱۷ بعدظهر الی ۸ شب

مکان: Deichmanske bibliotek

Schous Plass, 0552 Oslo

به اطلاع میرسانیم که کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - نروژ برنامه ای را در حمایت از زندانیان سیاسی در بند رژیم جنایتکار اسلامی تارکداده است. در این برنامه سخنرانیهایی از جانب زندانیان سیاسی سابق ایراد خواهد شد و فیلمهایی گوناگونی از وضعیت سياهچالهای رژیم اسلامی به نمایش در خواهد آمد. برنامه همچنین شامل موزیک توسط گیتاریست نروژی و پانزدهی محصلین با قهرود، چای و کیک همراه خواهد بود. بابتوسیه از همه محافلین رژیم اسلامی و از همه علاقمندان ایرانی و نروژی و حامیان زندانیان سیاسی در بند رژیم اسلامی مسئول از گرانش و نظرات سیاسی دعوت میشود. فعلاکه در این برنامه شرکت کنند و هدایای مبارزین در بند رژیم جنایتکار اسلامی را رساند نمایند. از همه کسانی که مایل به ایراد سخنرانی در این برنامه هستند و یا تمایل به همکاری برای بهتر برگزار کردن این برنامه دارند در خواست میشود که تا چهارشنبه ۸ دسامبر با ما تماس بگیرند.

تماس برای اطلاعات بیشتر و همکاری با سخن ۹۶۴۴۴۶۸۸ تلفنم کارت تماس بگیرد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نروژ

Kontakt Tel: +47 41333168

E-mail: sarfar.kardar@gmail.com

<http://www.iranpoliticalprisoners.com/>



برنامه ای در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

فیلم "میشین" که "کهریزه" ساخته میهنه تیموری برای اولین بار نمایش داده میشود

موزیک توسط گروه "People's Army"

سفارتان:

شماره: مجموعه: سخنرانی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، زندانی سیاسی سابق

بیتر تاجزاد: فعال حقوق بشر

عوضا تیموری: زندانی سیاسی سابق در زندان کهریزه، فعال حقوق بشر

پریکو روزمیرزا: بنیاد پزشکی برای حمایت از قربانیان شکنجه زندانی سیاسی سابق در آرژانتین

یکی از بنیانگذاران انجمن جهانی برای سلامت و حقوق بشر

علی خوه نجه: زندانی سیاسی سابق در زندان اوین

قرار فروخته: ایران سولیدارنی - انگلستان

سخنرانی از علنی بین المللی

بهرام سروشن: فعال حقوق کارگری



کارزار "من صدای او هستم"

صدای بهروز جاوید طهرانی باش، نگذار صدایش را خاموش کنند

بهروز را برای اولین بار در جریان سرکوب خونین دانشجویان در هیجدهم تیرماه سال ۱۳۷۸ دستگیر و زندانی کردند. بهروز هم مثل هزاران دانشجوی دیگر به استبداد و خشونت و سرکوب و سانسور معترض بود. خواست آزادی بیان و عقیده در این عصر، دوران فروپاشی اجباری و غیر قابل کنترل سانسور که خواست بزرگی نیست؟ اما هر خواستی از رژیم اسلامی "بزرگ" است! هر خواستی مخالفت است و هر صدایی اعتراض است، اعتراضی سیاسی. این واقعیتی است که امروز همه میدانند. این رژیم جایی برای مانور سیاسی ندارد. هر خواستی، حتی خواست پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده یک ساله هم ارکان این رژیم را تکان میدهد، نیروهای سرکوب را به آماده باش وامیدارد، گفتارن بسیج و لباس شخصی را با زنجیرها، قمه ها و کابل هایشان به خیابان میکشاند و رنگ و بوی سیاسی میگیرد.

بهروز از آن تاریخ در زندان است، از آن تاریخ تا به امروز دانشجویان آزادی خواه زیادی دستگیر، زندانی، شکنجه، زندانی، اعدام، کشته و یا سربیه نیست شده اند. اینهمه جنایت در پاسخ آزادی خواهی و عدالت طلبی، رژیم اسلامی باید پاسخ همه این جنایت را بدهد. آزادی خواهی جرم نیست، این، مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی حتی وظیفه ای انسانیت. و این وظیفه همه ماست که این جنایتکاران را به جرم تمام جنایاتشان و از جمله سرکوب وحشیانه ۱۳۷۸ به محاکمه بکشیم. این وظیفه ایست که بهروز به نمایندگی جنبش دانشجویی سال ۱۳۷۸ هنوز در زندان و از قعر سياهچال رژیم بر دوش همه ما گذاشته است. بهروز نمیایست حتی یک روز هم به جرم آزادی خواهی در زندان میبود

در یکی از معدود ملاقاتهایی که بهروز با خانواده اش داشت، وضعیت جسمی او را بشدت بحرانی توصیف کرده اند. آثار شکنجه بر بدن او و در حرکات دست و پایش پیداست. بهروز بخشی از بینایی خود را به دلیل ضرباتی که جانوران اسلامی به سر او وارد کرده اند از دست داده است.

خونریزی داخلی دارد، زانوی صدمه دیده اش تحمل وزنش را ندارد و بهروز میگوید بهداری زندان تعدا از رسیدگی به وضعیت جسمانی او خود داری می کند.

آخرین بار ساعت ده صبح روز چهارشنبه نوزدهم آبانماه بهروز جاوید طهرانی زندانی سیاسی شناخته شده، مجددا توسط حسن آخریان، شکنجه گر مخوف و منفور زندان رجایی شهر، هفتاد و چهار ضربه شلاق زده شد.

۱۶ آذر دیگری فرامیرسد. صحبت از ۱۶ آذر باشکوهتر از سالهای قبل بگوش می رسد. در ایران هیچ کسی تردی ندارد که نفس قاتلان اسلامی به تنگی افتاده است و ارکانش در حال فروپاشیدن است. در ایران هیچ کسی تردیدی ندارد که آن روز نریک است که یکبار دیگر درهای زندانها به نیروی مردم آزادی خواه باز شود و همه زندانیان سیاسی این فرزندان ایران به آغوش پر امتنان مردم باز گردند... اما تلاش امروز ما برای آزادی بهروز و یارانش، تمام زندانیان سیاسی، تلاش امروز ما برای آزادی بی قید و شرط آنها آن لحظه فرخنده را که در ایران دیگر پدیده نحسی به اسم زندان سیاسی وجود نداشته باشد نزدیک تر می کند.

بیایید تا پیام بهروز را به گوش همه عالم برسانیم. بهروز جز آزادی و یک جامعه انسانی خواست دیگری ندارد و هیچ کس در هیچ کجا نباید به این دلیل بازداشت، شکنجه و زندانی شود. بهروز باید امروز آزاد شود.

صدای بهروز جاوید طهرانی باش!

نگذار صدایش را خاموش کنند!

یکم دسامبر ۲۰۱۰ برابر با دهم آذر ۱۳۸۹

این نوشته بر اساس متنی که احمد فاطمی برای "میشین فری ایران" در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۰ تهیه کرده است تنظیم شده است. این نوشته در عین حال بخشی از فعالیت "میشین فری ایران" در حمایت از کارزار من "صدای او هستم" میباشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

پناهندگی و مهاجرت هم مساله طبقه کارگر است

احمد فاطمی



در هفته‌های گذشته اخبار تازه‌ای در ارتباط با اوضاع داخلی افغانستان منتشر شده است. آمار قابل استناد نشان می‌دهد که تعداد کسانی که افغانستان را ترک کرده و تقاضای پناهندگی می‌کنند در دو سال گذشته مرتباً افزایش یافته و اینک به اوج جدیدی رسیده است. افغانستان اینک قبل از عراق و سومالی مقام اول را در میان کشورهای مبدأ پناهندگی دارد. این افزایش در حالی صورت می‌گیرد که نیروهای نظامی آمریکایی در افغانستان نیز طی دو سال گذشته مرتباً افزایش پیدا کرده‌اند و این افق خونینی را ترسیم می‌کند. ارائه کننده این آمار و تحلیل کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل است و بنابر این با توجه به کمبودها و انگیزه‌های سیاسی که همواره فعالیت این نهاد بوروکراتیک سازمان ملل را شکل داده و مصالحی که در مغایرت با مأموریت روی کاغذ و رسمی در آمار و ارقام و تحلیل‌های این سازمان تعیین کننده بوده است، این آمار را نیز باید صرفاً بیان کننده بخشی از واقعیت دانست. کمیساریای عالی پناهندگی می‌گوید که در سال ۲۰۰۹ کمی بیش از ۲۷۰۰۰ افغانی تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند. اکثر این افراد مردان جوان ۲۰ تا ۳۰ ساله و دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی هستند. بیشتر این افراد تا ۲۰۰۰ دلار برای خروج قاچاقی از افغانستان و ورود به یک کشور پناهجو پذیر پرداخت کرده‌اند (منبع، نیویورک تایمز ۲۷ نوامبر ۲۰۱۰). کمی به این ارقام توجه کنید:

مبلغی که این تعداد برای خروج از جهنم افغانستان هزینه کرده‌اند به ۵۴۰ میلیون دلار بالغ می‌شود. کل درآمد ناخالص افغانستان ۴۰ برابر این رقم است. تنها جهت اطلاع و مقایسه به این توجه کنید که تمام تولید ناخالص ملی افغانستان ۲۰ میلیارد دلار است. جمعیت افغانستان به ۳۱ میلیون نفر بالغ می‌شود و سرانه تولید ناخالص ۷۰۰ دلار است. درآمد متوسط یک افغانی در کابل، پایتخت افغانستان در سال ۲۰۰۴ فقط ۷۰ دلار در سال، و

درآمد متوسط یک کارگر افغانی فقط ۴۲۶ دلار در سال جاری برآورد شده است (منبع تایمز آسیا ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰). ۲۰۰۰۰ دلاری که یک افغانی برای خروج از افغانستان می‌پردازد به این ترتیب مساوی است با حقوق ۴۷ سال یک کارگر. اما عمر متوسط یک افغانی فقط ۴۳ سال است (منبع، یونیسف گزارش سال ۲۰۰۸). این ارقام معادلانی را تشکیل می‌دهند که با هیچ ترفند ریاضی قابل حل نیستند.

کمیاریای عالی علت افزایش پناهندگی از افغانستان را نابسامانی وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان می‌داند و البته برای یک چنین تحلیل مشعشی کسی به ارقام و آمار احتیاج ندارد. آنچه که جالب توجه است این است که این سازمان این روند را نگران کننده می‌داند!

در این امر حرفی نیست که پناهندگی حق هر انسانی است، و اینکه در افغانستانی که درآمد روزانه یک کارگر کفاف نان خالی یک کودک را هم نمی‌کند چه درصدی از جمعیت و از چه راهی می‌توانند پولی معادل دستمزد یک عمر یک کارگر را برای خروج از جهنم افغانستان فراهم کنند مسالهای فرعیست. این آمار را به خاطر دارید که رسماً می‌گویند که امروز بطور متوسط ۵۰ درصد درآمد یک افغانی صرف خرید نان خالی میشود اما حتی اگر افزایش سرسام آور بهای نان در سراسر جهان در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ را در نظر بگیریم و به آمار قابل استناد قبلی مراجعه کنیم، دستمزد یک کارگر افغانی کفاف ۵-۴ نان تافتون را می‌کند و نه بیشتر. البته می‌شود حدس زد که خانواده‌های این جوانان تحصیل کرده با هزار بدبختی، فروش خانه و کاشانه و قرض و قومه این مبلغ نجومی در افغانستان را تهیه و پرداخت میکنند با این امید که فرزندان شان زندگی انسانی داشته باشند. و شاید هم بتوانند پس از مدتی در یک کشور غربی شغل مناسبی پیدا کرده و به نحوی از آنجا زیر بال باقی خانواده را بگیرند... اما این در ارتباط با معضل پناهندگی تنها گوشه‌ای از واقعیات را نشان

میدهد. جامعه جهانی و کمیساریای عالی به بر رسی "آمار" بخش بزرگتر مشکل تمایلی ندارد. ایران "کشور دوم" بیش از ۳ میلیون مهاجر افغانی است. البته آماري که در این رابطه ارائه میشوند اصلاً قابل اتکا نیستند. بخش بزرگی از پناهندگان افغانی را "بی کاغذ ها" تشکیل می‌دهند و تعداد آنها را فقط می‌توان تخمین زد. در ایران بی قانون، قانونی بودن برای کارگر مهاجر افغانی، از موضعی شخصی و فردی یک کارگر مهاجر، بیشتر موجب دردسر است تا نوعی امتیاز. در مورد ایرانی صحبت می‌کنیم که کارگر غیر مهاجر با استخدام رسمی و بیمه و پیشینه و تخصص فنی در مواردی بیش از یک سال است که حقوق دریافت نکرده است، حق شکل ندارد و از آزادی‌های سیاسی هم که خوب صحبتی نمی‌شود کرد. داشتن کاغذ در ایران هم مثل پاکستان و عراق امتیازی محسوب نمی‌شود. این ۳ میلیون افغانی پایین‌ترین قشر طبقه کارگر ایران را تشکیل می‌دهند و به دلایل واضح امکان ادغام کامل در طبقه را نیافته‌اند. کارگران افغانی که بعضاً حتی ممکن است در ایران به دنیا آمده و بزرگ شده باشند پایین‌ترین قشر و کم درآمدترین‌ها هستند. آنچه تأسف انگیز است این است که جهنم حکومت اسلامی در مقایسه با جهنمی که غرب در افغانستان ساخته است بهشت محسوب میشود. میشود تصور کرد که کارگران مهاجر افغانی در ایران به چه خفت و خواری ای تن می‌دهند تا لقمه نانی به دست بیاورند. خوب تردیدی نیست که این شرایط مستقیماً برای بخشی از طبقه سرمایه دار مطلوب است، ارزش اضافه تولید شده را افزایش میدهد و از طریق نازل کردن دستمزدهای یک بخش، سطح درآمد و معیشت کل طبقه را تنزل میدهد. بخش آگاهتر طبقه کارگر ایران به این مشکل واقف است و البته راه حل آنرا هم بخوبی می‌شناسد. کافی است که در این رابطه به قطعنامه سال گذشته کارگران در ارتباط با اول ماه مه مراجعه کنیم.

این بی حقوقی و شرایط اقتصادی و اجتماعی وحشتناک غیر انسانی و غیر قابل تحمل در افغانستان و سرشکن کردن آنها بر کارگران مهاجر افغانی در کشوری مثل ایران، معضل کمیساریای عالی

و یا هیچ نهاد دولتی و بین المللی رسمی دیگری نیست. سرمایه داری پس از هر بحران ادواریش بیش از پیش ناتوانی خود در حل این مشکلات را نشان میدهد. دولت آمریکا اینک رسماً از ناتوانی خود در حل نظامی بحران افغانستان صحبت می‌کند. استراتژی "جنگ با تروریسم" و نابودی آن در افغانستان اینک رسماً به استراتژی اعمال فشار نظامی به منظور مذاکره و کنار آمدن با طالبان تبدیل شده است. کاخ سفید امروز رسماً از شکست خود صحبت می‌کند و مترصد فرصتی است تا با قربانی کردن مردم افغانستان خود را از آنچه که توسط بخشی از ژنرال‌هایش ویتنام دوم نامیده شده کنار بکشد. اگر اختیار امور به دولتهای درگیر و صاحب منافع در افغانستان سپرده شود آنچه که مردم افغانستان کشیده‌اند و میکشند، در مقایسه با آنکه بروزشان خواهد آمد قابل قیاس نخواهد بود.

این شرایط اقتصادی و اجتماعی همین امروز کل جامعه افغانستان را به فقر و زندقه در افغانستان را غیر قابل تحمل کرده است. اکثریت مردم افغانستان که مجبور به ترک خانه و کاشانه خود میشوند به جز ورود غیر قانونی به ایران و پاکستان و سایر کشورهایی که با افغانستان مرز زمینی دارند، چاره‌ای ندارند. آنچه در این کشورها در انتظار مهاجرین افغانیست استثمار وحشیانه، فقر و فلاکت و فحشا و اعتیاد و قاچاق و بزهکاری است. این شرایطی است که کل سرمایه داری به

مهاجران افغان تحمیل می‌کند و مهاجران افغانی در میان حکومت‌های استبدادی و وحشی اسلامی ایران و پاکستان از یک سو و نظام مستخره و فاسد سیاسی افغانستان از سوی دیگر، که بیشتر به یک بقالی ورشکسته شبیه است تا یک حکومت، هیچ حامی جدی ای ندارند. کمیساریای عالی سازمان ملل هم بیشتر نگران روند افزایش پناهندگان به کشورهای غربی است، و اگر دولت اسلامی ایران ۵۰۰ افغانی مهاجر را در وکیل آباد اعدام می‌کند و آنرا برای ایجاد وحشت و ترور در بوق و کرنا می‌دمد، ککش هم نمی‌گردد.

افغانستان، نیجریه، سودان، سومالی، پاکستان، ایران، فیلیپین،... گره‌گاہایی هستند که نشان دهنده ناتوانی فاجعه بار سرمایه‌داری در اداره امور جهان‌اند. سرنوشت جهان و زندگی جهانیان را نمیتوان به دست حاکمان کنونی و ارگانهای بی خاصیتش سپرد. مساله حقوق مهاجرین به طریق اولی مساله طبقه کارگر است. این حکمی جهان شمول است و به همان درجه در ایران جمهوری اسلامی صادق است که در استرالیا و کانادا. طبقه کارگر منافع مستقیم در بدست گرفتن ابتکار عمل و تحمیل راه حل‌های خود- که بسیار ساده و سر راست هم هستند- دارد. ما چاره‌ای جز دخالت گری و اعمال راه حل‌های خود و بدست گرفتن ابتکار عمل در رابطه با مساله مهاجرت نداریم. سرمایه داری مدهاست که کوچکترین راه حلی برای این مشکل ندارد.*

کتابی از منصور حکمت از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران



جمهوری اسلامی و مذاکرات هسته ای



محمد شکوهی

اواخر آبان ماه گروه دولتهای ۵ + ۱ (پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان) بعد از مدتها چانه زنی با جمهوری اسلامی بالاخره تاریخ و محل مذاکرات هسته ای را تعیین کردند. این مذاکرات قرار است روز یکشنبه ۵ دسامبر در ژنو با شرکت آمریکا و دولتهای مزبور برگزار شود. در تابستان گذشته سازمان ملل قطعنامه ۱۹۲۹ تحریمهای جمهوری اسلامی را تصویب و به اجرا گذاشت. در این قطعنامه که به ادعای مقامات کشورهای غربی بیشترین تحریمها در مورد ایران اعمال شده است، قرار بود با ایجاد فشار به جمهوری اسلامی و محدودیتهای تجاری بالاخره جمهوری اسلامی را وادار به کشاندن به پای میز مذاکره حول و حوش برنامه هسته ای اش نمایند. اکنون ماهها از به اجرا در آمدن این قطعنامه گذشته و به اعتراف مقامات جمهوری اسلامی و شرکای غربی، این تحریم ها آثار جدی بر اقتصاد بیمار جمهوری اسلامی گذاشته است.

فشار تحریم ها در کنار فشارهای داخلی که به حکومت وارد آمده است، در کنار ایجاد شکاف در میان متحدان منطقه ای رژیم از ترکیه و کشورهای عربی گرفته تا، روسیه و چین که سنتا یا ساکت بودند و یا اقداماتی در برخورد به برنامه های اتمی جمهوری اسلامی در دست اجرا نداشتند، در کنار فشارهای آمریکا و و بخطر شدن متحدان اروپایی اش پشت سر این کشور، ابعاد و دامنه فشارهای جهانی به جمهوری اسلامی گسترش بی سابقه ای یافته و نتیجه آن شده که علیرغم عریه کشی های ضد آمریکایی و غربی رژیم، جمهوری اسلامی بر خلاف همیشه در این دور مذاکرات هر چه غرب گفت را قبول کند. از

تعیین تاریخ و محل مذاکرات گرفته تا روز و شرکت کشورهای غربی تا اینجا همه چیز بر طبق خواست دولتهای غربی پیش رفته است. اما این تمام موضوع نیست. دور جدید مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی با شرکای غربی در شرایط کاملا متفاوت جهانی و داخلی صورت می گیرد. در طول یکسال گذشته بسیاری فاکتورهای جهانی و منطقه ای و داخلی به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است. مهمترین این فاکتورها عبارتند از: اول بر آمد انقلاب مردم در سال ۸۸ که جهان متوجه شد با چه حکومتی طرف می باشد و در عین حال سلاح جمهوری اسلامی را که گویا مردم ایران را نمایندگی میکنند بی اثر کرده است. میلیونها نفر به خیابانها آمدند و گفتند که جمهوری اسلامی نمی خواهیم. ابعاد سرکوب و جنایات رژیم در سرکوب مردم جهان غرب را مجبور به تغییر سیاست برخوردش به جمهوری اسلامی کرده و همزمان فشارهای سیاسی مهمتری را به رژیم اعمال کرد. انقلاب ایران مهمترین فاکتوری بود که عقب نشینی های بعدی منطقه ای و جهانی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد و کل توازن قوا را به نفع مردم و مبارزه شان و بر علیه حکومت بر هم زد. غرب متوجه شد که جمهوری اسلامی ثبات چندانی ندارد و فاکتور انقلاب مردم هر آن و هر لحظه می تواند کل اوضاع را به ضرر رژیم عوض نماید.

دوم وضعیت منطقه ای جمهوری اسلامی که آن هم باز تابعی از برآمد انقلاب سال گذشته بوده و کل معادلات منطقه ای را به ضرر جمهوری اسلامی تغییر داد. موج همبستگی با انقلاب مردم ایران در منطقه خاورمیانه هم شکل گرفت. روابط حزب الله و حماس که دو بازو و برگ برنده رژیم در لبنان و فلسطین هستند، دستخوش تغییراتی شدند. انتخابات فلسطین با پیروزی جناح الفتح به پایان رسید. حزب الله در ماجرای ترور حریری نخست وزیر لبنان زیر فشار غرب قرار گرفت و بنابر توصیه های خامنه ای اطلاعاتش را در اختیار غرب گذاشت. سوریه و جمهوری اسلامی که دو فاکتور تعیین کننده در

سیاست لبنان و بخشا برخوردشان به اسرائیل بودند، مجبور شدند امتیازاتی به غرب و اسرائیل بدهند. سوم در عراق و افغانستان جمهوری اسلامی رسما در اثر فشارهای آمریکا و متحدانش با سیاست های ناتو و غرب همسو شد و با تشکیل دولت عراق با دخالت آمریکا و ایران عملا با استراتژی غرب در این کشور کنار آمد. چهارم در عرصه جهانی جمهوری اسلامی روز بروز زیر فشار تحریمها و اعتراضات جهانی به نقض حقوق بشر در موقعیت کاملا تضعیف شده ای در مقایسه با دو دهه پیش قرار داشته و غرب ناچار شده موضوع حقوق بشر را وارد عدالتش با رژیم بکند. بویژه کمپین جهانی سکینه و مبارزه بر علیه اعدام ها چهره ضد انسانی جمهوری اسلامی را در سرتاسر جهان به مردم نشان داد. در این میان جمهوری اسلامی "دیپلماسی بده و بستانش" گل کرد و برای حفظ آبروی حکومتش ناچار شد امتیازاتی به شرکای غربی اش بدهد و عقب نشینی هایی را متحمل بشود.

در یک چنین اوضاع و احوالی که همه چیز به ضرر جمهوری اسلامی در جریان می باشد، قرار است مذاکرات هسته ای روز یکشنبه ۵ دسامبر در ژنو برگزار شود. در این میان جمهوری اسلامی تمام سعی و تلاش خود را برای جلوه دان قدرت هسته ای خود به عنوان "برگ برنده" در مذاکرات به کار گرفته است، تا بلکه بتواند امتیازاتی را از طرف مقابل بگیرد. سران و مقامات رژیم و سخنگویان و نمایندگان هیات مذاکره کننده جمهوری اسلامی و در راس همه آنها خامنه ای نهایت سعی شان را خواهند کرد که این مذاکرات به نفعشان تمام بشود. اما خود این موضوع زیر سوال است. رژیم زیر فشار های داخلی و خارجی و تحریم ها دارد کمرش خرد می شود. هیچ بعید نیست که در این مذاکرات همه درخواستهای غرب پیرامون برنامه هسته ای اش را بپذیرد و در برابر تلاش کند "امتیازاتی" از جمله قطع یا کاهش تحریمها را بگیرد و از آن به عنوان برگ برنده ای برای تثبیت موقعیت بسیار شکننده حکومت در داخل استفاده کند. مساله حکومت اینست که نشان دهد دولتها از

سخنرانی مینا احدی در پارلمان اروپا



مینا احدی

موقعیت زنان در ایران و مبارزات زنان بر علیه حکومت اسلامی سخنرانی خواهد کرد. در این جا برنامه این کنفرانس در اختیار عموم قرار داده میشود.

روز ۹ دسامبر به دعوت فراکسیون سوسیالیستهای پارلمان اروپا يك کنفرانس در مورد موقعیت زنان در اروپا و در دنیا و استراتژی مبارزه برای بهبود موقعیت زنان برگزار میشود. در این برنامه تعداد زیادی سخنران از دنیا دعوت شده اند که در مورد معضلات زنان در کشورهای مختلف سخنرانی کنند. از ایران، مینا احدی در این کنفرانس حضور دارد و در مورد

زنده باد ۱۶ آذر

۱۶ آذر روزی شاخص در جنبش و انقلاب ما برای خلاص شدن از شر توحش اسلامی حاکم است. ۱۶ آذر روز نه به سرکوب و بی حقوقی، روز ابراز نفرت نسبت به آپارتاید و جدا سازی جنسیتی، روز خیزش علیه فقر و فلاکت و بی تأمینی، روز فریاد آزادی همه زندانیان سیاسی، و روز آزادی و برابری و دستیابی به جامعه ای انسانی است. حکومت متحجرین و مفتخوران حاکم از نام ۱۶ آذر وحشت دارد. از نام دانشجو و دانشگاه واهمه دارد. باردیگر به تقلا و تکاپویی کثیف افتاده است تا دانشگاه را به قبرستان و سنگر تحجر و جداسازی و خرافه موضع کنار زدن آن کوتاه آمده اند و تلاشش این خواهد بود که بر سر همین موضوع با دولتهای غربی به توافق برسد. این محتمل ترین وجه روند مذاکرات است. بنابر همه دلایلی که قبلا توضیح داده شد، شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که دال بر عقب نشینی های رژیم در برابر درخواستهای آمریکا و غرب در مذاکرات خواهد بود. اما آنچه روشن است اینست که اساس موقعیت متزلزل حکومت از این دولتها سر بر

نیاورده است که با سازش احتمالی با آنها بشود این مشکل را حل کرد. اصل معضل حکومت مردمند که نمیتواند و نمیخواهند ذره ای از سرنوشتی این حکومت جنایت و چپاول کوتاه ببینند. خود همین واقعیت و انزوای جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم ایران و جهان، هرگونه سازشی با این حکومت را نیز با موانع جدی مواجه میکند.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!